

تاریخ جنگ

جنگ هشت ساله ایران و عراق از هنگامی که در آخرین روز شهریور ۱۳۵۹ با تجاوز نیروهای عراقی به خاک ایران آغاز شد، تا زمانی که در ۳۰ مرداد ۱۳۶۷ با قرارداد ترک مخاصمه طرفین پایان پذیرفت، در مقام یکی از مهم ترین حوادث روز - و در مقاطعی چند حتی به عنوان مهم ترین این حوادث - به صورتی مداوم و مستمر موضوع تفسیر و گزارش قرار داشت. گزارش های روزانه و یا گزارش های گاه به گاه جراید و خبرگزاری ها به مناسبت عملیات جاری در جبهه های جنگ (که شاید جامع ترین آن ها را از لحاظ خارجی در دوره مجله جینز دیفنس، یکی از معتبرترین نشریه های تخصصی نظامی و از لحاظ داخلی نیز در دوره پیام انقلاب، ارگان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بتوان ملاحظه کرد) وظیفه بازتاب روز به روز این تحولات را بر عهده داشتند.

در دوره جنگ در مقایسه با تلاش هایی که در خارج برای درک و شناخت این پدیده - یا به عبارتی تدوین تاریخ آن - جریان داشت، در خود کشور تلاش چشمگیری در این زمینه ملاحظه نمی شود. انبوهی از کتب و رسائل خارجی که فهرست جامعی از آن ها نیز منتشر شده است^۱، از جمله بررسی های جدی و جالب توجه آنتونی کوردزمن، افرایم کارش، شهرام چوپین و چارلز تریپ...^۲ به رغم آن که بیشتر بر گزارش های ضرورتاً نه چندان دقیق روز مبتنی بودند و از لحاظ پیش بینی تحولات بعدی، ارزیابی اهداف و مقاصد طرفین و پاره ای موارد دیگر کاستی هایی داشتند ولی در مجموع در ارائه

تصویری از تحولات جنگ، بررسی های ناموفقی نبودند. با توجه به ترجمه پاره ای از آن ها برای کاربردهای آموزشی و تحلیلی نیروهای مسلح، چنین به نظر می رسد که این بررسی های خارجی بر تلاش های داخلی بعدی در تدوین تاریخ جنگ بی تأثیر نبوده اند. اگر چه جهان غرب در تعبیر و تفسیر جنگ، مخالفت با ایران انقلابی و هواداری از رژیم عراق راه و روال خود را داشت، ولی این به معنای نادیده انگاشتن ابعاد واقعی اصل موضوع، یعنی سیر اصلی جنگ نبود. ایراد عمده ای که به این وجه از تاریخ نگاری جنگ - یعنی وجه خارجی آن - می توان وارد دانست، آن است که با خاتمه جنگ، تا حدود زیادی از تکاپو باز ایستاد. تا آنجایی که اطلاع در دست است، در پی خاتمه یافتن جنگ، و به ویژه پس از پیش آمد حوادثی چون حمله عراق به کویت و جنگ خلیج فارس که جنگ هشت ساله ایران و عراق را تحت الشعاع قرار داد، پژوهشگران غربی بررسی های چشمگیری در این زمینه ارائه نداده اند. ولی در ایران این روند جهتی به کلی متفاوت به خود گرفت. یعنی بر خلاف مراحل نخست جنگ که در طی آن تلاش داخلی قابل توجهی برای تدوین و نشر تاریخ جنگ ملاحظه نشد، از سال های میانی و نهایی جنگ به بعد این وجه جنبه ای مهم یافت.

مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ

تلاش های اولیه ای که در این زمینه صورت گرفت که انتشار کتاب **گذری بر دو سال جنگ**، دفتر سیاسی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را در همان سال های نخست جنگ، می توان به عنوان یکی از مهم ترین نمونه های آن تلقی کرد، نظر به مقتضیات وقت بیشتر جنبه ای تبلیغاتی - توجیهی داشت؛ در این بررسی گذشته از فصل میانی کتاب که مروری است بر تحولات جنگ از شروع حمله عراق تا رهایی خرمشهر، فصلی در آغاز به توجیه جنگ اختصاص یافته تحت عنوان «برکات جنگ» که از لحاظ ثبت رویکرد غالب در آن روزگار نسبت به جنگ و نقشی که برای آن در شکل دادن به نظام برآمده از انقلاب قائل بودند، فصل جالب توجهی است. فصل پایانی کتاب نیز تحت عنوان «بعد جهانی جنگ تحمیلی» بررسی مواضع قدرت های جهانی و منطقه ای را نسبت به جنگ، مورد نظر دارد.

با نزدیک شدن جنگ به مراحل پایانی خود، اگر چه وجه تبلیغی - توجیهی فوق الذکر به قوت خود باقی ماند و هنوز هم بخش مهمی از مسائل و مباحث جنگ را تحت الشعاع دارد^۳، ولی در کنار آن، نشانه هایی از شکل گیری و موجودیت یک رویکرد جدی تاریخی نسبت به ثبت و گزارش جنگ پدیدار شد؛ انتشار کتاب **نبرد فاو**، شرح چگونگی برنامه ریزی، تدارک و بالاخره اجرای عملیات والفجر ۸ که در بهمن ۱۳۶۴ به تصرف فاو، شبه جزیره استراتژیک عراق در دهانه اروندرود منجر شد، با فاصله ای چشمگیر از نوشته های تبلیغی - توجیهی پیشین، از نخستین علائم ملموس این دگرگونی بود.

در واقع **نبرد فاو** را باید نخستین حاصل رسمی نهادی دانست که در چارچوب معاونت سیاسی ستاد کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تحت عنوان «مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ» شکل گرفته

بود. در آثار بعدی مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ و یا جزوه های راهنمایی که در معرفی آن منتشر شدند، تاریخچه تأسیس و عملکرد آن، چنین توضیح داده شد: «چند ماه بعد از شروع جنگ ۸ ساله ایران و عراق، دفتر سیاسی سپاه که آن زمان از ارکان شورای فرماندهی سپاه به شمار می رفت در پی تأسیس قسمتی به نام «تاریخ جنگ» برآمد. انگیزه اصلی، حفظ تاریخ جنگ از گزند تحریفاتی بود که بخصوص از ناحیه جریان های لیبرالی در حاکمیت وقت، موقعیتی تهدید شونده داشت. . . .^۴ مرکز مزبور پس از تقسیم جبهه به دو منطقه شمالی و جنوبی و تعیین محورهای هر یک، پژوهشگرانی را تحت عنوان «راوی» معین ساخت که تا با حضور مستقیم در هر یک از این محورها، اولاً . . . درباره آنچه واقع می شود به تحقیق پردازد. ثانیاً از آنچه از ابتدای جنگ تاکنون رخ داده، از طریق مصاحبه با افرادی که در صحنه های مزبور حضور داشته اند اطلاعات دقیق کسب کند تا به جمع بندی مشخصی از چگونگی روند جنگ در ماههای گذشته برسد»^۵. چگونگی رشد و توسعه سازمانی این مرکز تا تبدیل به یک مرکز مستقل در حوزه فرماندهی کل سپاه در سال ۱۳۶۴، نحوه آموزش و هدایت راویان جنگ، نوع اسناد و مدارکی که در این تلاش گرد آمد - . . . سی هزار ساعت نوار کاست، سیصد هزار برگ سند، نزدیک به هزار و سیصد عدد دفاتر راویان، نزدیک به بیست هزار نشریه . . . بیش از هفتصد گزارش تحقیقی، چهار هزار برگ کالک و نقشه عملیاتی . . . - شهادت گروهی از راویان در خلال جنگ . . . که در این نوشته ها به نحوی گذرا مورد اشاره قرار گرفته اند خود می تواند در صورت تدوین، فصلی از تاریخ جنگ را به خود اختصاص دهد»^۶.



توانایی شناسایی و تعریف مراحل مختلف یک عملیات، توضیح و توصیف هر یک از این مراحل به نحوی گویا و مفهوم، اجتناب حتی الامکان از طرح مباحث حاشیه ای، انضمام نقشه های همراه در تفهیم موضوع . . . از جمله خصوصیات بارز روش به کار رفته در کتاب **نبرد فاو** بود که با کیفیت فزاینده ای در بررسی های بعدی مرکز ادامه یافت.

یکی از این بررسی های بعدی کتاب **از خرمشهر تا فاو** بود که در اردیبهشت ۱۳۶۷ منتشر شد. این کتاب تحولات جنگ را از فتح خرمشهر در سال ۱۳۶۱ تا نحوه برنامه ریزی و اجرای عملیات آتی که بر توسعه جنگ به قلمرو دشمن نظر داشت، توضیح می دهد. موضوع فتح فاو و استراتژی دفاع متحرک عراق، بخش های پایانی این بررسی را تشکیل می داد. کتاب **جنگ در سال ۱۳۶۵**، کارنامه یکساله سپاه که در اواخر همان سال -۱۳۶۷- منتشر شد نیز به توضیح بیشتر همین موضوع، یعنی تحولات ناشی از فتح فاو، استراتژی دفاع متحرک و اقدامات ایران برای گشایش عرصه های جدید نظامی در محورهای دیگر عملیاتی برای مقابله با این استراتژی عراق اختصاص یافت.

در این میان جنگ خاتمه پیدا کرد و **راهنمای عملیات جنگ هشت ساله**، نخستین اثر مرکز تحقیقات پس از پایان جنگ که در سال ۱۳۶۹ منتشر شد را نیز می توان به عنوان نوعی دستور کار آتی تلقی کرد.^۷ کتاب های از **خونین شهر تا خرمشهر**، نگاهی مجدد و دقیق تر به تحولات دو سال نخست جنگ، از **فاو تا شلمچه** و بالاخره از **شلمچه تا حلبچه** که در فاصله سال های ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۶ منتشر شدند، از آثار مهمی بودند که مرکز تحقیقات در این زمینه منتشر کرد. این سه جلد کتاب، با در نظر گرفتن کتاب پیشین مرکز، از **خرمشهر تا فاو**، مجموعه ای را تشکیل داده اند تحت عنوان «سیری در جنگ ایران و عراق».

مجموعه «گزارش های عملیات» از دیگر مجموعه هایی است که مرکز تحقیقات در دست تدوین دارد. تاکنون از این مجموعه که چهارده عنوان آن معرفی شده اند^۸، دو کتاب **نبرد العمیه** و **نبرد شرق بصره** -مجلدات ۱۰ و ۱۱ مجموعه منتشر شده اند. **نبرد العمیه**، گزارشی است از نحوه تصرف و انهدام اسکله نفتی مزبور در شهریور ۱۳۶۵ که یکی از نخستین عملیات دریایی سپاه به شمار می رفت و **نبرد شرق بصره** یا عملیات کربلای ۵، شرحی است از یکی از بزرگترین و مهم ترین عملیات نظامی ایران برای فائق آمدن بر خطوط دفاعی شرق بصره در زمستان همان سال.

حرکتی که در حول و حوش تدوین تاریخ جنگ آغاز شده است، به تکاپویی تبدیل گردیده به مراتب وسیع تر و اساسی تر از صرف «تاریخ جنگ». یکی از نشانه های روشن این دگرگونی را در شکل گیری مجموعه کتاب های **روزشمار جنگ عراق و ایران** می توان ملاحظه کرد که آن نیز از دیگر مجموعه هایی است که در مرکز تحقیقات در دست تدوین قرار دارد. از این مجموعه که قرار است در بیست جلد حوادث روز به روز کشور را از منظر تحولاتی که زمینه ساز نهایی جنگ، و در پی آغاز جنگ، تحولات هشت ساله کشور را تا ترک مخاصمه شامل شود تا کنون چهار مجلد منتشر شده اند. نخست جلدهای

چهارم و پنجم، هجوم سراسری (تهاجم و پیشروی های عمده عراق) و هویزه آخرین گام های اشغالگر (زمینگیر شدن و توقف کامل دشمن) در سال های ۱۳۷۲ و ۱۳۷۳ و چندی بعد نیز جلد اول این مجموعه، پیدایش نظام جدید در سال ۱۳۷۵ که حوادث روزانه کشور را از ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ تا ۱۶ اردیبهشت ۱۳۵۸ در بر می گیرد و بالاخره جلد دوم پیدایش نظام جدید تحت عنوان بحران در خوزستان که در سال ۱۳۷۷ منتشر شد و به رغم توجه خاص به تحولات خوزستان، سایر رخداد های کشور را نیز مورد اشاره دارد.

مروری بر مضامین مورد بحث در جلد اول کتاب پیدایش نظام جدید که تحت عنوان «بحران های داخلی و تولد نیرو های مسلح انقلاب» منتشر شده است، خود گویای ارج و ارزش تاریخی این مجموعه است. در هر بخش، حوادث و رخداد های هر روز در درجه اول بر اساس گزارش های جراید و خبرگزاری های داخلی و خارجی منعکس شده، در کنار این گزارش ها، تفاسیر و آراء مختلفی نیز که در همان ایام در باب این حوادث ابراز شده اند - از آراء و گفته های دولتمردان وقت گرفته تا بیانیه های گروه ها و گروهک های مخالف - نقل شده اند. مثلاً در باب وقایعی چون حوادث ترکمن صحرا و کردستان نه فقط اصل خبر که واکنش جناح های مختلف سیاسی را نیز در قبال این رخدادها شامل می شود. اکثر حوادثی که در این روزشمار مورد اشاره قرار دارند، از حوادث حساس و بحث انگیز انقلابند، لهادییم آن که مورد تحریف و تعبیر های خاص نیز قرار گیرند بسیار است. ولی انصافاً چنین به نظر می آید که در این روزشمار بنای کار بر بازتاب هر چه عینی تر امر و بازسازی نزدیک به واقع حوادث بوده است. احتمالاً اگر هم کاستی ای در کار است، بیشتر به دلیل کاستی های موجود در نظام کتابخانه ای و اطلاع



رسانی کشور به نظر می‌آید تا قصد و غرضی آگاهانه در دگرگونه وانمود ساختن وقایع . یکی از منابع ارزشمندی که به ویژه در تدوین مجلدات بعدی روزشمار مورد استفاده بوده، گزارش‌های داخلی دست اندرکاران جنگ است، از بولتن‌های داخلی سپاه گرفته تا گزارش‌های شهربانی و غیره که در فراهم آمدن تصویری از برداشت‌های -دقیق یا نادقیق- مقامات و مسئولان وقت از حوادث مورد بحث مفید است . انضمام چکیده‌ای از اهم مطالب مورد بحث در انتهای هر جلد تحت عنوان «گزارش روزشمار» و همچنین یک فهرست اعلام جامع، بهره‌برداری از این منابع را که به صورتی مناسب نیز حروفچینی و صفحه‌آرایی شده‌اند، تسهیل کرده است .

در کنار این مجموعه‌ها، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، تک‌نگاری‌هایی را نیز منتشر کرده که خرمشهر در جنگ طولانی، سرگذشت مفصل این شهر از بدو انقلاب تا سقوط آن به دست عراقی‌ها در اوائل آبان ۱۳۵۹ یکی از نمونه‌های بارز آن است . جای آن دارد که در این زمینه از خرمشهر در اسناد ارتش عراق از انتشارات واحد اسناد حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی نیز یاد شود که با اشمال بر مجموعه‌ای از اسناد برجای مانده از ارتش عراق، تصویری از دوران اشغال خرمشهر به دست می‌دهد^۹.

گروه نگارش تاریخ نظامی ارتش

گذشته از سپاه پاسداران که به تلاش‌های آن در تدوین و ثبت تاریخ جنگ اشاره شد، رکن دیگر جنگ ارتش بود . در واقع در مقاطعی چند و به ویژه در مراحل نخست جنگ که هنوز نیروهای دیگر نظامی شکل نگرفته بودند، ارتش تنها رکن جنگ بود . سهم آن در ثبت رخدادهای جنگ، به ویژه مراحل اولیه آن سهم مهم و در خور توجهی است .

مهم‌ترین تحقیقی که از سوی ارتش در این زمینه در دسترس قرار گرفته مجموعه «ارتش جمهوری اسلامی ایران در هشت سال دفاع مقدس» می‌باشد که تا کنون پنج مجلد آن از سوی «سازمان عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران، معاونت تبلیغات و روابط عمومی (دفتر سیاسی)» منتشر شده است . برخلاف «مرکز تحقیقات و مطالعات جنگ» سپاه که از نحوه شکل‌گیری، اهداف و روش کار آن اطلاعات در خور توجهی در دست می‌باشد، در مورد نحوه شکل‌گیری و روش کار «گروه نگارش تاریخ نظامی» ارتش آگاهی مشابهی موجود نیست . کتابشناسی هشت سال دفاع مقدس که در سال ۱۳۷۵ از سوی اداره آموزش ستاد مشترک ارتش منتشر شده است از حدود ۶۰ تحقیق و رساله نظامی نشان دارد که ظاهراً برای کاربردهای داخلی و آموزشی در ثبت و تحلیل عملیات مختلف جنگ تدوین شده‌اند . بخش مهمی از این کتب و رسائل توسط صاحب نظرانی به رشته تحریر در آمده که در تدوین مجموعه ارتش جمهوری اسلامی در هشت سال دفاع مقدس دست داشته‌اند .

همان‌گونه که اشاره شد تا پیش از شکل‌گیری و توسعه نهادهای دیگر نظامی مانند بسیج و سپاه،

در واقع در کل جبهه های جنگ - به استثنای برخی حوزه های شهری چون خرمشهر، آبادان، سوسنگرد... - سیرای مقابله با دشمن، جز ارتش نیروی منسجم دیگری وجود نداشت. خوشبختانه پنج مجلدی نیز که تا کنون از مجموعه هشت سال دفاع مقدس منتشر شده اند از عملیات نظامی ارتش در این دوره، یعنی دو سال نخست جنگ شرح دقیق و قابل توجهی به دست می دهند.

یکی از مهم ترین نکاتی که در بررسی و تبیین نقش ارتش در مراحل نخست جنگ موضوع بحث می باشد، مسئله عدم آمادگی ارتش برای مقابله با حمله عراقی ها است. می دانیم که در فاصله نه چندان طولانی پیروزی انقلاب تا حمله عراق، ارتش به عنوان یکی از نهادهای اصلی اقتدار رژیم گذشته، بحرانی گسترده را تجربه کرد. نگرانی های ناشی از امکان بهره برداری نیروهای داخلی و خارجی مخالف انقلاب از آن، به انضمام تحریکات مستمر گروه های چپ که اصولاً با وجود چنین نیرویی مخالف بودند، همچنین پیش آمد حوادثی چون بمباران آثار برجای مانده از حضور آمریکایی ها در طبرس توسط نیروی هوایی و کشف «کودتای نوژه»... روند پاکسازی ها و دگرگونی های نسجیده جاری را چنان شدت بخشید که در اندک زمانی از توانایی ارتش به نحو فاحشی کاسته شد.

اگرچه در این کتاب ها به چگونگی امر، یعنی سرگذشت ارتش در فاصله انقلاب تا حمله عراق، جز به نحوی گذرا اشاره ای نشده است^{۱۰}، ولی موقعیت نابرابر ارتش ایران در برابر نیرویی که در آستانه جنگ در مقابل خود داشت، به روشنی تصویر شده است^{۱۱}، یکی دیگر از نکاتی که در این بررسی مطرح گردیده که به نظر مهم می آید، نوع دیگر و دیرینه تری از سهل انگاری نظامی است که تا کنون مورد اشاره



قرار نگرفته بود. اگرچه نابسامانی های ناشی از انقلاب نقش مهمی در تضعیف ارتش داشت، ولی به نظر می آید که برخی از کاستی های آن از پیشینه ای دیرینه تر برخوردار بوده اند. گذشته از سیاست نظامی شاه مبنی بر جلوگیری از رشد شخصیت های نیرومند و مستقل در عرصه فرماندهی ارتش که آن را در نحوه سازماندهی فرماندهی عالی نیروهای مسلح در آن دوره نیز می توان ملاحظه کرد، در پاره ای زمینه های دیگر هم نمونه هایی از عدم تدبیر و دور اندیشی به چشم می خورد. بخشی از فصل مهم «مقدمات تجاوز عراق» در جلد سوم هشت سال دفاع مقدس که به توضیح مختصر پیشینه تدابیر نظامی ایران در مقابل خطر عراق اختصاص دارد، از این حکایت دارد که دولت وقت به رغم آگاهی از ضرورت تشکیل و حضور یک نیروی زرهی کارآمد در جهت خوزستان، هیچ گاه به تحقق تمامی جوانب این ضرورت موفق نشد. علاوه بر این، احداث سه رشته استحکامات مرزی که می بایست محور شلمچه - طلایه را پوشش دهد نیز با انعقاد قرارداد الجزایر در سال ۱۳۵۳، ناتمام می ماند^{۱۲}.

هشت سال دفاع مقدس نیز همانند بررسی های متأخر مرکز تحقیقات و مطالعات جنگ سپاه، بنای کار را بر ارائه یک تصویر واقعی از تحولات جنگ قرار داده است، و از آنجایی که احتمالاً اهداف آموزشی نیز مد نظر می باشند، در پاره ای موارد از ارزیابی انتقادی عملیات مورد بحث نیز کوتاهی نکرده است^{۱۳}.

مسائل بحث نشده جنگ

تاریخ نگاری جنگ در مقایسه با بدنه اصلی تاریخ نگاری ایران معاصر پدیده کاملاً پیشرفته و متمایزی است. در حالی که بخش مهمی از بررسی های تاریخی جاری را طیف متنوعی از گزارش های ژورنالیستی و کتاب سازی های عامه پسند از یک سو و محدود آثار جدی و درخور توجه از سوی دیگر تشکیل می دهد، تاریخ نگاری جنگ در حوزه ای بی ارتباط با این بدنه اصلی و در انزوای خود به شیوه ای در شناسایی و تعریف موضوع مورد بحث و توضیح و توصیف مراحل مختلف آن دست یافته است به کلی متفاوت از روال حاکم بر تاریخ نگاری متعارف کشور. تقویت و تحکیم این حرکت می تواند در بهبود و ارتقاء سطح مطالعات تاریخی کشور نقش مهمی ایفا کند و تداوم و استمرار این حرکت پژوهشی که به نظر می آید لااقل از لحاظ نشر، در سال های اخیر اندکی کند و بطنی شده است، گام مهمی است در این جهت.

یکی از نخستین نکاتی که در این زمینه می توان متذکر شد، لزوم گسترده شدن حوزه بررسی است؛ برای مثال، از تاریخ و عملکرد نیروی هوایی و نیروی دریایی و همچنین نقش رسته های توپخانه، هوانیروز، مهندسی و لجستیک... در جنگ، بررسی های جامع و مستقلی در دست نیست. از پاره ای جوانب جنبی جنگ مانند نقش ستاد جنگ های نامنظم مرحوم چمران یا عملیات گروه های کرد هوادار ایران در خاک عراق و یا بالعکس، نحوه عملیات گروه های کرد هوادار عراق در خاک ایران

نیز اطلاع در خور توجهی منتشر نشده است.

اگر چه در ادامه همین بحث برای پا گرفتن تاریخ جنگ و گسترش حوزه کار آن، از ضرورت تخصیص بودجه و امکانات بیشتر به تلاش های جاری، تشکیل واحدهای درسی... و انبوهی از پیشنهادهای مشخص دیگر می توان یاد کرد، ولی احتمالاً آنچه پیش از هر پیشنهاد مقطعی دیگری به این امر می تواند کمک کند، طرح و بحث آن بخش از مسائل جنگ است که به رغم حضور ملموس و وجود محسوس خود در افکار عمومی هنوز به نحوی جدی مورد بحث قرار نگرفته است.

در این که انقلاب ۱۳۵۷ بر تحولات منطقه ای، و به ویژه حرکت های اسلامی جاری در کشورهای همسایه تأثیر چشمگیری نهاد، تردید نیست. همچنین می دانیم که ماجرای «صنوبر انقلاب» نیز یکی از نکات اصلی تبلیغات رژیم عراق را در توجیه تهاجم بعدی خود به ایران تشکیل می داد، اما موضوعی که در این میان هنوز به نحوی اساسی مورد بررسی قرار نگرفته آن است که کدام بخش از رخدادهایی که در این عرصه صورت گرفت و در فراهم آمدن زمینه پیش آمد جنگ مؤثر واقع شد، جنبه ای اجتناب ناپذیر داشت و کدام یک نیز قابل کنترل بود. برای به دست آوردن تصویری واقعی از زمینه های بروز جنگ، تفکیک این دو موضوع از یکدیگر لازم است. به عبارت دیگر، در عین حال که از لحاظ انگیزه های تاریخی و سیاسی، در اقدام عراق به تعرض و آغاز جنگ چنانچه در بررسی ارزشمند دکتر منوچهر پارسادوست نقش عراق در شروع جنگ^{۱۴} نیز بیان شده است، بحثی نیست ولی هنوز واکنش و عملکرد تشکیلات برآمده از انقلاب در قبال تحولات جاری در عراق مورد بررسی و ارزیابی



قرار نگرفته است.

موضوع اختلاف نظرهایی که از لحاظ اتخاذ سیاست های جنگی در میان رهبری وقت کشور پیش آمد نیز از جمله مضامینی است که هنوز تصویر دقیق و مستندی از آن در دست نیست. در حالی که ابوالحسن بنی صدر در خاطراتی که به زبان انگلیسی از وی منتشر شده روایت قابل بحث، ولی غیرقانع کننده ای از دیدگاه و عملکرد خود در این دوره عنوان کرده است^{۱۵}، آنچه تا کنون در منابع داخلی در توضیح نقش بنی صدر منتشر شده، از پاره ای اتهامات کلی و تأکید بر سوء نیت مشارالیه فراتر نرفته است. هنوز واقعاً نمی دانیم نابسامانی های حاکم بر هدایت جنگ در مراحل اول کار تا چه حد حاصل رقابت های سیاسی وقت بود و تا چه حد نتیجه بهم ریختگی های انقلاب که برای فائق آمدن بر آن ها لاجرم به گذشت زمان احتیاج بود. به عبارت دیگر، واقعاً روشن نیست که این نابسامانی تا چه حد ناشی از بی تجربگی بود و ندانم کاری و تا چه اندازه ناشی از سوء نیت و قصد خیانت. تنها با انتشار اسناد و صورت جلسات قابل نشر فرماندهی عالی جنگ در این مقاطع است که وضعیت واقعی امر می تواند روشن شود و در نتیجه بحث مزبور نیز از یک رشته اتهامات متقابل خارج شود.

مهم ترین موضوعی که در مراحل بعدی جنگ مطرح می شود که آن نیز هنوز به نحوی جدی مورد بحث قرار نگرفته، موضوع ادامه یا عدم ادامه جنگ بعد از آزادی خرمشهر و استرداد اراضی اشغال شده کشور است. ضایعات و تلفات ناشی از ادامه جنگ بعد از آزادی خرمشهر و همچنین پایان نه چندان دلخواه جنگ در مراحل بعدی باعث آن شده است که آنچه به عنوان یک نظریه سیاسی - از میان چندین و چند نظر سیاسی دیگر - در آن دوره مطرح شد، یعنی لزوم خاتمه دادن به جنگ در پی آزادی خرمشهر به نحوی فزاینده در سطح عمومی رواج یابد.

برای نشان دادن اهمیت و حساسیت این موضوع و این که چگونه هر داده و اطلاع جدیدی می تواند چارچوب واقعی بحث را دگرگون سازد، می توان به نمونه زیر اشاره کرد. چند سال پیش در سرمقاله یکی از نشریات جدی و معتبر کشور^{۱۶}، پس از طرح مواردی چون اشغال سفارت آمریکا و گروگان گیری و دیگر مسائل مربوط به سیاست خارجی کشور در تأکید بر ضرورت «بهنگام بودن» و لزوم سرعت عمل در تصمیم گیری های حیاتی کشور - که در مجموع بحث درست و جالب توجهی بود - در اشاره به یک مورد دیگر از «موقع شناسی و بهنگام بودن» بحث جنگ مطرح شد. این نشریه با استناد به بخشی از یکی از مصاحبه های حجت الاسلام سید احمد خمینی با روزنامه جمهوری اسلامی، بر لزوم خاتمه «بهنگام» جنگ بعد از فتح خرمشهر اشاره کرد. حجت الاسلام حاج سید احمد خمینی در بخشی از این مصاحبه در مورد تصمیم گیری درباره جنگ بعد از فتح خرمشهر چنین می گوید: «در مقابل مسائل خرمشهر امام معتقد بودند که بهتر است جنگ تمام شود. اما بالاخره مسئولین جنگ گفتند که ما باید تا کنار شط العرب (اروند رود) برویم تا بتوانیم غرامت خودمان را از عراق بگیریم. امام اصلاً با این کار موافق نبودند و می گفتند اگر بناست که شما جنگ را ادامه بدهید بدانید که اگر این جنگ با این

وضعی که شما دارید ادامه یابد و شما موفق نشوید دیگر این جنگ تمام شدنی نیست و ما باید جنگ را تا نقطه ای خاص ادامه بدهیم و الان هم قضیه فتح خرمشهر پیش آمده و بهترین موقع برای پایان جنگ است».

اگر این بحث و نقل قول مشخص در چارچوبی فراتر از یک مقطع کوتاه از تاریخ جنگ، یعنی فراتر از دوره ای که در پی استرداد خرمشهر، در آن در مورد تعیین خط مشی بعدی جنگ بحث هایی جریان داشت، نگریسته شود؛ می تواند این شبهه را پیش آورد که شخص رهبر انقلاب نیز مانند برخی از جریان های سیاسی ایران آن روز، با ادامه جنگ مخالف بوده اند، حال آن که می دانیم که از نظر تاریخی، این برداشت صحیح نیست و نظری هم که در این زمینه بیان شد، مربوط به یک دوره کوتاه و گذرا بوده است.^{۱۷}

نمونه فوق الذکر، در عین حال که بیانگر اهمیت و حساسیت مباحثی از این دست است، بیانگر آسیب پذیری و امکان بدفهمی چنین مباحثی نیز می باشد. دلیل اصلی این ضعف و آسیب پذیری نیز در درجه اول در کوتاهی مقامات ذی صلاح و مطلع در انتشار داده های متقن در این زمینه است، حال آنکه بدون آگاهی از دلایل و انگیزه های رهبری وقت کشور در ادامه جنگ -جدای آنچه در سطح شعارها و تبلیغات جنگی وقت مطرح می شد- به یک ارزیابی صحیح از این مقطع نمی توان دست یافت.

موضوع دیگری که در این زمینه مطرح است و همانند مضامین فوق الذکر در چارچوب بررسی ها انجام شده مورد بحث قرار نگرفته، مرحله پایانی جنگ است. در سال هشتم جنگ که با قدرت نمایی



آشکار و مداخله صریح ایالات متحده در خلیج فارس و تعرض های موفقیت آمیز عراق در جبهه های فاو، شلمچه، مجنون، زبیدات، دهلران، قصر شیرین... توأم شد، کل وضع به ضرر ایران چرخید و جز پذیرش قطعنامه ۵۹۸ چاره دیگری بر جای نماند.

این دگرگونی غیرمنتظره هنوز هم از نقطه نظر توضیح و تبیین تاریخی به حال مبهم و ناروشن خود باقی مانده است؛ کتاب **گذر از بحران ۶۷** که در «تحلیل سیاسی هشتمین سال جنگ»، چند صباحی پس از پذیرش قطعنامه در بهمن ۱۳۶۸ از سوی دفتر سیاسی سپاه پاسداران منتشر شد از تصویر تمامی ابعاد این دگرگونی، به ویژه بخش نظامی آن قاصر ماند. در واقع، فقط در بخش پایانی کتاب **آغاز تا پایان، بررسی وقایع سیاسی-نظامی جنگ از زمینه سازی تهاجم عراق تا آتش بس**، آخرین جلد از مجموعه سیری در جنگ ایران و عراق مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ که در سال ۱۳۷۶ منتشر شد، است که برای توضیح ابعاد نظامی این دگرگونی سعی و تلاش مختصری به عمل آمده است.

اگر چه همانگونه که اشاره شد، با توجه به داده های موجود در حال حاضر از این موضوع که آیا جنگ در سال دوم جنگ، و در پی رهایی خرمشهر می بایست خاتمه یابد یا خیر، ارزیابی دقیق و منصفانه ای نمی توان به دست داد، ولی در این که در مراحل بعد و به ویژه پیش از به وجود آمدن وضعیت قابل پیش بینی سال هشتم جنگ، می بایست برای خاتمه دادن به جنگ تنبیری اندیشه می شد نیز تردیدی نیست.

در سال ۱۳۶۷ توضیح بیشتر در باب علل پذیرش قطعنامه ۵۹۸ به فرصت و فراغتی دیگر موقوف شد. احتمالاً وضعیت بحرانی کشور در آن دوره نیز اقتضای طرح و بحث گسترده و آشکار این موضوع را نداشت. ولی ادامه سیاست سکوت در این باب نیز خط مشی مناسبی به نظر نمی آید، به ویژه آن که به هر حال با باز شدن فضای مطبوعاتی کشور در سال های اخیر، هم اکنون جوانی از این بحث مطرح شده و احتمالاً به صورتی گسترده تر نیز مطرح خواهند شد.^{۱۸} آثاری چون **تاریخ سیاسی جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران** نوشته دکتر علی اکبر ولایتی نیز که اخیراً منتشر شده است^{۱۹}، از آنجایی که بخش مهم و درخور توجه آن بیشتر به دوره بعد از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و چگونگی اجرای آن اختصاص دارد و نه توضیح شرایطی که به قبول آن منجر شد، در این زمینه کمک نمی کند. ادامه خط مشی موجود در این باب، یعنی اصرار بر عدم انتشار و انعکاس دیدگاه های حاکم بر مدیریت و رهبری جنگ نیز فقط زمینه ساز کج فهمی های بیشتر خواهد بود.

در تاریخ جنگ ها و برخوردهای نظامی جهان، کمتر موردی را می توان یافت که از لحاظ نظامی مورد بحث و مناقشه نباشد. برای مثال همین جنگ دوم جهانی که کمتر نکته ای از آن مکتوم و بحث نشده مانده، هنوز با انبوهی از مباحث حل نشده روبرو است؛ این که نیروهای آلمان در سال ۱۹۴۱ به جای تمرکز قوا در اطراف استالینگراد می بایست مسکو را هدف قرار می دادند؛ این که متفقین پس از چیرگی بر شمال آفریقا به جای لشکرکشی به ایتالیا می بایستی توان نظامی خود را صرف تصرف بالکان

نمایند. . . و ده ها نمونه دیگر که هنوز هم در مورد آنها اتفاق نظر وجود ندارد، خود بیانگر دشواری های نهفته در چنین ارزیابی هایی است؛ و این بحث ها و اختلاف نظرهایی است در مورد رهبری سیاسی و نظامی طرفین درگیر در جنگ جهانی دوم که هر یک از مشورت عالی ترین مراجع دانش جنگ در دوره خود برخوردار بودند تا چه رسد به تشکیلات برآمده از یک انقلاب گسترده که در رویارویی با یک جنگ تحمیلی تقریباً همه چیز را از صفر شروع کرد. از این رو نگرانی هایی که در این زمینه وجود دارد، نگرانی های بی موردی است. عیب کار آن است که بحث جنگ و زیر سؤال بردن جوانی از آن - همان گونه که ملاحظه شد- خواهی نخواهی جریان دارد و موضوعی نیست که با اجتناب مقامات ذی صلاح و مطلع از طرح آن ها، متوقف گردد. لهذا در چنین وضعیتی خودداری از ارائه اطلاعات و داده های دقیق و مستند فقط به کج فهمی بیشتر منجر خواهد شد.

در سال های اخیر، در کنار بررسی های تاریخی فوق الذکر برای شناخت ابعاد گسترده تر جنگ، تلاش های دیگری نیز صورت گرفته است همانند اختصاص یک شماره از مجله سیاست دفاعی^{۲۰} از انتشارات پژوهشگاه علوم دفاعی دانشگاه امام حسین، یا شماره ای از نامه پژوهش، فصلنامه تحقیقات فرهنگی وزارت ارشاد به موضوع جنگ^{۲۱}. . . ولی کاملاً آشکار است که ابعاد بحث نشده و مورد مناقشه جنگ به مراتب گسترده تر از آن است که در چارچوب چنین تلاش های پراکنده ای جای گیرد.

بازشدن جنبه های اساسی و بحث نشده جنگ، امر سهل و آسانی نیست و بدون تردید با تش ها و اختلاف نظرهایی توأم خواهد شد، ولی نه فقط رشد و تعالی جریان نیرومند و معقولی که هم اکنون در حول و حوش تاریخ نگاری جنگ شکل گرفته است، بلکه جلوگیری از تبدیل آن به یک جریان حاشیه ای و جانی که تنها هر از گاهی به مناسبت یک رشته یادبودهای رسمی مورد اشاره و تمجید قرار گیرد در گرو این گشایش موضوعی است. علاوه بر این چنین به نظر می آید که حرکت مزبور از توانایی و اعتبار لازم جهت هدایت این بحث و جلوگیری از تبدیل آن به یک رشته برخوردها و تصفیه حساب های جناحی نیز برخوردار باشد.

کفتگو ۳

یادداشت ها

- 1- J. Anthony Gardner, **The Iraq-Iran War, A bibliography**, Mansell Publishing Limited, London, 1988.
- 2- Anthony H. Cordesman, **The Iran-Iraq War and Western Security 1984-1987**, Jane's Publishing Co. 1987; Efraim Karsh, **The Iran-Iraq War: A Military Analysis**, Adelphi Paper 220, IISS, London 1987, Efraim Karsh, ed. **The Iran-Iraq War, Impact and Implications**, Macmillan, London, 1989; Shahram Chubin and Charles Tripp, **Iran**

and Iraq at War, I.B.Tauris, London, 1988.

۳- به عنوان نمونه می توان به کتاب ذیل اشاره کرد. کارنامه توصیفی عملیاتهای هشت سال دفاع مقدس، تهران: نمایندگی ولی فقیه در نیروی زمینی- معاونت تبلیغات و انتشارات، ۱۳۷۶. و برای آگاهی بیشتر از این وجه تبلیغی-توجیهی و تأثیر منفی آن بر شناخت مفولۀ جنگ، بنگرید به سرمقاله علیرضا کمری در نامه پژوهش، «ویژۀ دفاع مقدس»، شماره ۹، تابستان ۱۳۷۷، صص ۳-۴.

۴- آشنایی با مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، بی تا، ص ۱
۵- همان، ص ۲

۶- برای آگاهی بیشتر بنگرید به مقاله «آشنایی با مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ»، ضمیمۀ روزشمار جنگ ایران و عراق، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ج ۴، صص ۵۸۶-۶۹۷

۷- در این رساله مجموعه ای از جداول و داده های مختصر در باب مراحل مختلف جنگ، مناطق درگیری، استعداد قوای رو در رو، تلفات و ضایعات دشمن منتشر شد. ناگفته نماند که گونه نسبتاً مفصل تری از این فهرست راهنما که نه فقط از جزئیات بیشتر، بلکه از انضمام یک رشته نقشه های راهنما نیز برخوردار بود در سال ۱۳۶۸ یعنی یک سال قبل از انتشار این جزوه، تحت عنوان کارنامه عملیات سپاهیان اسلام در هشت سال دفاع مقدس از سوی واحد تبلیغات و انتشارات سپاه پاسداران منتشر شد.

۸- برای آگاهی از دیگر عناوینی که قرار است در این مجموعه منتشر شود، بنگرید به پشت جلد نبرد العمیه.

۹- خرمشهر در اسناد ارتش عراق، تهران، دفتر ادبیات و هنر مقاومت، حوزه هنری، ۱۳۷۵، ص ۴۶۴

۱۰- هشت سال دفاع مقدس، ج ۱، ص ۶۴

رساله «از انهدام تا تولدی دوباره: ارتش ایران»، نوشته هیکمن به رغم اختصار، تصویر جالب توجهی از سرگذشت ارتش ایران در این دوره به دست می دهد:

Hickman, William F., *Ravaged and Reborn: The Iranian Army*, Washington D.C., Brooking Institution, 1982.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۱۱- هشت سال دفاع مقدس، ج ۱، ص ۷۲ و ج ۲، ص ۷۵

۱۲- همان، ج ۳، صص ۳۱-۲۱

۱۳- همان، ج ۱، ص ۷۱ و ۱۵۸

۱۴- منوچهر پارسادوست، نقش عراق در شروع جنگ، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۹.

15- Abol Hassan Bani-Sadr, *My turn to Speak*, Brassey's (US) INC., 1991, Chapters 6 to 10.

۱۶- پیام امروز، شماره ۶، اردیبهشت-خرداد ۱۳۷۴

۱۷- برای آگاهی از چارچوب کلی تر این موضوع بنگرید به سخنرانی سردار محسن رضایی در حسینیه شهید همت که در آن در باب «ابهام پیش آمده پس از آزادی خرمشهر» اشاره شده است. روزنامه جامعه، ۲۹ تیر ۱۳۷۷، ص ۲.

۱۸- برای نمونه بنگرید به گزارش نشریه شلمچه از مراسم گرامیداشت شهدای جنگ تحمیلی در سالروز قبول قطعنامه ۵۹۸ (شماره ۳۵، نیمه اول مرداد ۱۳۷۷). در کنار سخنان جالب توجه و مهم سردار محسن رضایی در این باب که نکات ناگفته بسیاری از تاریخ جنگ را شامل می شود، پرسش و پاسخ هایی نیز در پایان مراسم مطرح شد که از حساسیت و اهمیت کماکان

برقرار موضوع جنگ حکایت دارد. علاوه بر این بنگرید به مصاحبه های بعدی همین نشریه (شماره ۳۷، نیمه اول شهریور ۱۳۷۷) با سردار محسن رضایی در باب جنگ.

۱۹- علی اکبر ولایتی، تاریخ سیاسی جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۶.

۲۰- سیاست دفاعی، شماره ۱۹، تابستان ۱۳۷۶. دانشگاه امام حسین پیش از تدوین و انتشار این مجموعه در سال ۱۳۶۸ نیز نشستی را برای بررسی جنگ برگزار کرد که چندی بعد بخشی از مطالب مطرح شده در آن تحت عنوان مجموعه مقالات اولین نشست کنفرانس بررسی دفاع مقدس، تهران ۱۳۷۱ منتشر شد. تفاوت کیفی مطالب مجموعه بعدی - ویژه نامه سیاست دفاعی - در مقایسه با این مجموعه، بیانگر نقش مهم گذشت زمان است در کاهش بار عاطفی و احساسی این نوع بررسی ها.

۲۱- نامه پژوهش، شماره ۹، تابستان ۱۳۷۷

کتابگو بهر



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



POL